

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد.ل  
۱۰/۱۱/۱۱

باعرض احترام و درود به گردانندگان پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان!"  
امیدوارم تا صفحه ای را در ارتباط موضوع مطروح بر روی دوستان علاقه مند و دیگر اندیشان غرض روشن شدن حقایق در صورت امکان باز نمایند تا باشد ذهن ملت مظلوم ما که قربانی انواع استعمار سیاسی و فرهنگی شده اند تا اندازه ای هر چند کم هم اگر باشد، روشن شده و برنامه های خود را تا اندازه توان در راستای زندگی آینده مشخص سازند.

## اسلام دین شمشیر یا بدون شمشیر؟

در پورتال عزیز "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" مضمونی زیر عنوان (دین اسلام دین شمشیر نیست) نوشته محترم سعید افغانی به نشر رسیده بود که متأسفانه بنده روی دلایل و معذرت های روز مره زندگی اقبال خواندن آنرا نیافته بودم. خوشحال هستم از اینکه بالاخره موفق به مطالعه نوشته جناب شان گردیدم. متأسفم که دانشمند گرانمایت آیات غضبی قران را نادیده گرفته و از آیات مدنی و آن آیت های که درباره شمشیر و گردن زدن در قران است چشم پوشی نموده و صرف آیات مکی و مسالمت آمیز را طرح و بر رسی نموده اند. بنده خواستم چند سطر پیروان آن نوشته با کمال احترام و ادب به او شان، بنویسم و امید وارم این را به حساب گستاخی من معامله نفرموده و با بزرگواری خود اشتباهات و غلط فهمی هائی را اگر متوجه میشوند، به دیده اغماض نگریسته و با روشن ساختن آن بر این جانب منت گذارند؛ چون انگیزه نوشتن این سطور فقط روشن شدن حقیقت هائی میباشد که از واقعیت های تلخ اجتماعی و زندگی ملیون ها انسان سر چشمه میگردد و شاید این نوشته راه کشای بحث های بعدی پیروان اینکه آیا اسلام دین شمشیر و زور گوئی است و یانیست بوده و در روشنی استدلالات مطروح خوانندگان و هم وطنان ما قضاوت شانرا خواهند داشت و همچنان دانشمندان ما در صورتی که خواسته باشند در جهت تأیید و یارد هر نظری سهم شانرا در روشنگری ملت به خاک کشیده ما ادا خواهند نمود. به نظر من این بحث را در چند جهت میتوان طرح، بررسی و تحلیل نمود. مثلاً طرح از مبداء و منشاء اسلام و

هدایات قرآنی - مسأله برده و کنیز داشتن، عیاشی سلاطین اسلامی و جنایاتی که زیر نام فتوحات اسلام در تاریخ انجام شده، از نظر فقهای اسلامی و رهبرد های این دساتیر و عملی ساختن آن توسط مسلمین و بعدا طرح به اصطلاح روشنفکران اسلامی که سعی نموده اند از اسلام یک دین متکامل و دین عدالت پرور درست نموده و تحمیل آنرا بر ملت ها جبرا وسیله باشند.

- قران دارای ۱۱۴ سوره است که ۸۸ سوره آن در ده سال که محمد در مکه بود تدوین شده و به نام سوره های مکی یاد میشوند. ۲۶ سوره دیگر در مدینه در مدت ۱۳ سال وضع شده که به نام سوره های مدنی معروف میباشد. سوره های مکی همه شکل روحانیت داشته و سخن از ارشاد مردم، دوری از زشتی ها و دعوت به نیکی است که با بررسی نمودن هر آیت میتوان نتیجه گرفت که بنیان عدالت و انسان دوستی و صلح را میتوان در قران و اسلام پیدا نمود. آیات مکی بیانگر عدالت و پرهیزگاری است. و اما سوره های مدنی از بیخ و بنیاد از نگاه طرح و هدایات با سوره های مکی در تضاد است و پیوسته از قتل و کشتار و نابود کردن مخالفان صحبت میدارد. در سوره های مکی محمد به یک موعظه گر صالح شباهت دارد و بیشتر داستان گوئی در آن سوره ها شامل است. در سوره های مکی محمد مردم را به اطاعت از خدا میخواند و دعوت به نوع دوستی و سازش با منافقین و گمراهان مینماید اما در سوره های مدنی مردم را به اطاعت ( از خدا و رسولش ) میخواند و قانون وضع میدارد و ضمانت های اجرائی مشکل میخواهد.

برای روشن شدن ذهن خواننده ابتداء چند آیتی از سوره های مکی و به تعقیب آن چند آیت از سوره های مدنی را خواهیم آورد :

سوره انعام آیت ۱۵۹ ( در حقیقت آنهایی که در معتقدات دینی فرقه فرقه شدند چشم از آنها ببوش که چنین کسانی به کار تو نیایند. از دست آنها خشمگین مباش که مجازات آنها با خداست... )

آیت ۴۱ سوره الزمر: ( ما این کتاب را به حق برای هدایت مردم بر تو نازل کردیم پس هر کس که هدایت یافت به سود خود او ست و هر که گمراه شد به زیان خود به گمراهی افتاده است و تو وکیل آنها نیستی )

آیت ۲ سوره هود: (... به جز خدای یکتا هیچکس را نپرستیدو من حقا رسول او هستم که برای اندرز و بشارت خلق آمده ام )

سوره مؤمنون آیت ۹۶ (تو آزار و بدی های امت را به آنچه نیکو تر است دفع کن ما جزای گفتار آنها را بهتر میدانیم)

سوره طه آیت ۱۳۰ ( پس تو ای رسول بر آنچه (امت جاهل) میگویند صبر و تحمل پیشه کن .... ) این هم شرح چند آیت مدنی که شکل هدایات یک سلطان مذهبی را دارد:

سوره نساء آیت ۷۱ ( یا اهل ایمان سلاح جنگ برگیرید و آنگاه دسته دسته و یا همه باهم برای جهاد اقدام کنید )  
سوره نساء آیت ۸۹ (... منافقین را تا در راه خدا گام بر ندارند دو ست نگیرید و اگر مخالفت کردند آنها را هر کجا یافتید به قتل برسانید ... )

سوره احزاب آیت ۶۱ ( مردم پلید را هر کجا یافتید آنان را گرفته و جدا آنها را بکشید )  
سوره توبه آیت ۵ ( پس از آن که ماه های حرام به سر رسید آنگاه مشرکین را هر کجا یافتید به قتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و از هر سو در کمین آنها باشید )

سوره توبه آیت ۲۹ ( بکشید کسانی را که به خدا و روز واپسین ایمان نمی آورند و آنچه را که خدا و رسول او حرام کرده اند حرام تلقی نمی کنند... )

سوره توبه آیت ۷۳ ( ای پیغمبر با کافرین و منافقین جهاد و مبارزه کن و بر آنها بسیار سخت بگیر ... )  
سوره نسا آیت ۲۴ ( نکاح زنان محسنه (شوهر دار) برای شما حرام شد مگر زنانی که در جنگهای با کفار متصرف و مالک شده اید... )

سوره محمد آیت ۴ ( بنا برآن موقعی که با کافران روبرو میشوید آنها را گردن بزنید تا آنگاه که از خون ریزی بسیار دشمن را از پا در آورید پس از آن اسیران جنگ را محکم به بند کشید تا بعداً آنها را آزاد گردانید و یا از آنان فدیة بگیرید )

سوره التوبه آیت ۱۲۳ ( بکشید کافران را از پس هم تا جدیت و خشم شما را احساس کنند. )  
سوره محمد آیت ۳۵ ( سستی نکنید به صلح تن در ندهید چون الله شما را قویتر و بی نقص گردانیده است. ) و ده ها آیت دیگر در کشتن و خشم و غضب.

با خواندن این چند آیت که در دو موقعیت خاص تاریخی با در نظر داشت مقام و موقف محمد و تعداد جنگجویانش و استفاده از شرایط بهره برداری از مردم به وجود آمده میتوان تضاد های چشم گیر را در زور گوئی اسلام و دعوت عادی مردم دید یعنی زمانیکه در مکه با تعداد کمی از یارانش زندگی داشتند در متن همه آیات برادری - اخوت - صلح و گذشت است اما وقتیکه در مدینه نیرو هایش از مردم مدینه که از مکه و مردم آن دلخور بودند قوی تر میشود آیت های جنگی پر از کشت و خون می بینیم یعنی تا زمان که گردانندگان اسلام کم زور و ضعیف هستند دین اسلام دین تبلیغ - صلح و عدالت است اما به محض قدرت و تشکل نیرو های جنگی دینی، تبدیل میشود به قهر و غضب خداوند که دیگر رحمی نمی شناسد و نصیحتی در کار نمی باشد. فقط سر زدن و جزیه گرفتن است و بس . خوب حالا با این طرح که قرآن دارد یعنی در شرایط کمزوری و ناتوانی از اخوت و محبت و راستکاری صحبت کردن و در ایام قدرت، گردن زدن و کشتن. چه نتیجه ای میتوان گرفت؟ آیا اسلام دین زور و شمشیر است یا عدالت و مساوات؟ حمله محمد بر قریه جات یهودی نشین مثل ( بنی قینقاع ) قتل ( کعب بن الاشرف ) اخراج طایفه یهودی ( بنی النضیر ) از مدینه و تصرف اموال و اراضی آنها و از بین بردن نخلستان های شان چه توجیهی از عدالت و برابری میتواند داشته باشد؟

آیت ۵ سوره حشر ( اگر شما نخلی را قطع و یا آنرا سر پا نگهدارید همه به امر خداوند بوده و قطع آن برای مجازات فاسقین یهود الزام آور بوده است ) همه نشان دهنده اسلام شمشیری در وقت قدرت است . اگر شرح جنایات و آدمکشی های خالد بن ولید، سعد بن وقاص، مثنی بن حارثه و چند سردار خون آشام دیگر را به وقت دیگر موکول نمائیم؛ دو واقعه را نمیتوان نادیده گرفت و آن اینکه قطیبه بعد از کشتن ۱۲ هزار نفر اتباع نیزک و جغبویه، اسیر بودن نیزک را به حجاج مر قوم و بعد از هدایت حجاج قطیبه نیزک و برادرش را به دار زده و سر او را چنانچه رسم اموی ها بود قطع و به حضور حجاج تقدیم کرد و همچنان نباید فراموش کرد : ایران بن رستم حکمدار سیستان بعد از جنگ با ربیع سردار عرب مصالحه کرد به این ترتیب که در سه مایلی زرنج مجلس مصالحه در اردوی عرب منعقد و از اجساد کشته شدگان سیستانی در میدان جنگ، تختی ساخته و ربیع سردار عرب بالای آن جلوس نمود متکای این سردار را هم اجساد کشته شدگان تشکیل میداد ( عجب دینی و عدالتی )  
**حال میرویم به بخش دوم:**

علمای فقه و اندیشمندان اسلامی از اسلام یک مفکوره سیاسی و دولت داری درست نموده و در مقطع های مشخص زمانی روی ملحوظات خاص همان وقت فتوا هائی به نفع حکمرایان صادر نموده اند تا بیشتر در تحکیم قدرت های حاکم یعنی دولت های اسلامی و اطاعت بی چون و چرای مردم از شریعت اسلامی سهم ادا نموده و

فعالیت به خرج داده اند.

اینجا ما دو نوع مردم می بینیم یکی آنهای که اسلام نگهدار منافع طبقاتی و استثماراری شان بوده و همیشه در چوکات های دینی حافظ قدرت و ثروت زور مندان بوده است و گروه دیگر مظلومین و مردم نا آگاه از روش و سیاست های اسلامی که اسلام از آنها در طول تاریخ موجودیت خود قربانی گرفته و این مظلومان را به وعده های بهشت و اجر عظیم در مقابل صبر و برده باری شان از ظلم و ستم اولیای امور و در مقابل جور و ستم مستبدین و زمین دار های بزرگ و سرمایه دار ها پاداشی در آن دنیا در عالم از رویای خوش و زجر دهنده قرار داده اند و گفته اند که خدا این را تعهد نموده است.

دین و به خصوص اسلام از زور مندان دفاع و ملت های بیسواد و کم سواد و خوشباور را در قید و بند اسارت کور کورانه نگهداشته اند هیچ وقت اسلام در صف دفاع از مظلومین و مردم قرار نگرفته است و هر چه گفته فقط از لطف و مرحمت خداوندی در آن جهان برای شان صحبت شده، حتی آقای امام فخر رازی با اهانت به انسانهای زحمتکش و در بند استثمار و استعمار گستاخانه میگوید که

### **اگر دردی رسد مخروش و مخراش – توکل کن به لطف بی نیازی**

این رساننده پیام اسارت و در بند نگهداشتن انسانهای زحمت کش و صادق است که در طول عمر خود روی خوشبختی را ندیده اند .

از صدر اسلام تا امروز شاهان و سلاطین ممالک اسلامی مشغول فتوحات و آدم کشی و تاراج گنجینه های علمی و فرهنگی ملت ها بوده و در استثمار توده و خلق های مظلوم در حدود قلمرو خود سعی نموده اند و دین بالخصوص دین اسلام در خدمت این قدرتمندان زور و آز بوده است. خود محمد بنیان گذار اسلام غلام و کنیز ها داشت و یکی از کنیزانش که خیلی زیبا بود با او در غیاب حفصه دختر عمر که یکی از خانم هایش بود همبستر شد تا اینکه سرو صدای این مسأله بیرون و محمد تعهد نمود که دیگر نوبت زناش را مراعات خواهد نمود دو با ماریه کنیز خود ازدواج کرد . هیچ نوع حرکت اسلامی ضد زنیارگی و شرابخواری معاویه و خاندان او به عمل نیامده است. دوران اموی ها پر زینت ترین و با شأن و شوکت امپراتوران شرقی و غربی بود دوران عباسی ها کمتر از اموی ها نبوده بلکه زشت تر و پلید تر از اموی ها بود چون اکثر شاهان به علا و ه داشتن هزاران زن در حر مسرای خود به لواطت هم با غلامان خود می پرداختند و همه زیر نام اسلام چه بسا این فحاشی و نا انسانی های شاهان هم در چوکات اسلامی بود ؟

پول این همه عیاشی و ولخرجی از جیب مردم زحمت کش و غریب که (اسلام آنها را به صبر دعوت میکرد) پرداخته میشد همچنان فاطمی ها که در مصر حکومت داشتند کار مهمی در رستگاری مردم ننموده و گم مثبتی برای احقاق حق مردم و ملت هائی که از عرق جبین پول در می آوردند و به نام جزیه و مالیه به رهبران و سلاطین اسلامی می پرداختند انجام نداده اند. ولی همیشه به ساختمان مسجد های رنگارنگ ، زیبا و مزین، سعی ورزیده اند. اگر خواننده محترم به داستان معاویه که زن یکی از رعایای خودش، که از مروان حاکم شهر که به زن او چشم داشته و شکایت آورده بود و معاویه بعد از دیدن خانم او دل به آن زن می ببندد و به مرد میگوید او را طلاق بده تا من او را به عقد خود در آورم در مجلد پنجم ناسخ التواریخ سپهر آمده توجه فرمایند که هیچ مسلمانی، قاضی و مقتی و عالم دینی ضد این عمل چیزی نگفته و فتوائی صادر نکرده است. همچنان بناء به نوشته نفایس الاخبار معاویه پسر ابوسفیان که مردی هوسران بود پس از مرگ ابوسفیان خیال میکرد عمه اش ( ام الحکم ) باکره است وقتی به سر وقت عمه رسید دید کارش قبلا ساخته شده و بناء به اعتراف "ام الحکم" ابوسفیان از وی زرنگتر بوده و از

خواهرش از الهه بکارت کرده است .. در مقابل شهوترانی های یزید با حبابه کنیز او و ولید بن عبدالملک که در سال ۱۲۶ هجری در گذشت، حوض هائی از شراب داشت و از محفل سازی بهترین مطربان مکه و مدینه در شام لذت میبرد و یا باغی که در اول قرن چهارم هجری (المقتدر) سلطان عباسی از جواهرات و طلای ناب درست نموده بود و یا حاتم بخشی های مامون پسر هارون الرشید در شب زفاف پوران دخت دختر حسن ابن سهل کیسه گهر نثار کرد که شمردند هزار دانه الماس تابناک بی نظیر بالغ آمد و ده ها مثال دیگر هیچ یک ازین فقیه های اسلامی و مبلغین دین در باره این اعمال نه تنها که اعتراض نکرده اند بلکه با خاموشی خود بر روی همه این راه و روش علامه تأیید گذاشتند تا مبادا راز های نهفته و ناگفته بر ملا و مردم از پیروی شان دست بکشند. یعنی علمای فقه اسلامی هم راه و روش صدر اسلام را درپیش داشتند؛ نه چیزی بالا تر از حدود محصور شده اسلامی فکری خود. بزرگترین کار فقها تدوین قانونمندیهای وضو گرفتن، نماز خواندن، غسل جنابت و امثالهم بوده و همیشه تأیید داشته اند .

درین دوره های اخیر ملت مظلوم و با شهامت ما شاهد انواع اسلام بودند . مکارگی های رهبران دینی و کشت و کشتار هم نوعان ما که آنها در قالب اسلام از هیچ نوع جنایتی در حق مردم بیدفاع ما دریغ نکردند بنده خیلی ها آرزو دارم تا هموطن دانشمندی درمورد این همه وقایع غلام و کنیز داشتن و سر زدن و بریدن اعضای بدن انسانها و چند جمله نوشته محترم سعید افغانی روشنی ببندازند . اوشان نوشته اند (سوره مزمل آیت ۱۹ در باره قبول یا رد دین ) . به یاد می اوریم یک هموطن مارا به اسم عبدالرحمن که عیسوی شد و حکم تکفیر و اعدامش صادر گشت (مسلمان حق تغییر دین خود را ندارد) و هم چنان ذبح نمودن گوسفندوار اجمل نقشبندی را توسط مسلمانان (طالبان) کشور و هم ۱۸ سال حبس غوث زلمی را به جرم نوشتن قران به زبان فارسی و کامبخش جوان را به جرم آگاهی از اسرار پشت پرده اسلام توسط انتر نت که منجر به فتوای مرکش شد .

این بود شمه ای از عیاشی ها، جنایات و آدم کشی های تاریخی اسلام و همچنان در باره اینکه نوشته اند که (دین اسلام یگانه دینی است که آزادی واقعی از قید اسارت و بندگی برای انسان به ار مغان آورده است) با این نوع دینی که شرحش رفت باید تذکر داد که هموطنان ما اضافه تر از سی سال است که عدالت اسلامی را در راکت هائی که شهر های ما را سوخته و بم هائی که بنده های شیرین ترین عزیزان ما را متلاشی ساخته و به هزار ها قربانی از ما گرفته است، شاهد بودند و هنوز هم سازشکاری های اسلامی مسلمان ها با پیروی از پیشوا و بنیان گذار این دین با قدرت های امپریالیستی و خونخواران بین المللی همچنان در تبانی ح.د.خ را می بینیم و آنها را در همکاری های بعدی باغول های بی شاخ و دم به نام طالب برای سر کوب خلقها و ملت مظلوم در قربانگاه های مقدس دین تماشاه گر خواهیم بود . مفسرین این دین (عدالت پسند) که بعضی از آنها از الازهر پروفیسوری دارند هنوز هم در تشریح عبادات اجنه و زدن شیطانهای که غرض اذیت خداوند میخوانند به عرش بروند توسط ستاره های دنباله دار و اینکه چه نوع نمک حلال و چه نوع شامپوی موی حرام است، مصروف هستند و یکی از آنها نامه و پیغام نویس و مشاور ذات همایونی (بابای مسلمانان مدرن) است و جناب شان کسی بودند که اولین تبریکی ظاهر شاه را عنوانی طالبان زیر عنوان (فتح مزار تبریک) واسطه شدند و روی خصلت های محافظه کارانه، هرگز در مورد بم هائی که روی خانه های ما توسط قوای اشغالگر انداخته میشود و طالبانی که مسلما نمایندگان استعمار بوده و هستند شبکه های تروریستی شان در حملات انتحاری عزیزان بیگناه و اطفال مارا به پارچه های گوشت ذره ذره شده تبدیل و به هوا پرتاب میدارند، دهن نکشاندند و قلمی نزدند اما درمورد همین حلال و حرام کتابها نوشته و سی دی هائی غرض فروش ثبت نموده اند. این فقط یکی از روشنفکران تحصیل کرده اسلامی ما

است.

از اسلام خوب و ملایم در ممالک استعماری و امپریالیستی امریکائی و ارو پائی صحبت کردن و یک سلسله مسایل پیش پا افتاده و غیر به درد بخور را به خورد ملت دادن بس خسته کن و طفلانه جلوه مینماید. نشنیدیم که یکروز یک عالم دین ( عدالت ) در پهلوی یک هموطن مظلوم ما ایستاده ضد بم های خانمانسوز آن قدرت ها و ضد بم های انتحاری اسلامی که تا حال هزاران دلبند مارا از ما گرفته و خوشی ها و عروسی های مارا به ماتم سرا تبدیل نموده اند به پا خاسته و با نوشته های مسؤلانه و یا جلو کمره تلویزیون های بیرون مرزی شعار ضد طالبی، ضد تاجران دین و ضد قوای اشغالگر داده و عمل انسانی انجام داده باشند. حتی بعضی از آنها بیشرمانه و با گستاخی خاص یکی را مظهر دموکراسی و دیگری را نیروهای مسلح مقاومت ملی میخوانند. اما از روشنفکران مردمی و علاقه مندان انسانیت هم نوشته های شانرا خوانده ایم و هم در پرده تلویزیون صحبت های شانرا ضد زور گوئی و بیعدالتی تا آنجا که میتوانستند آنها گفته و ما شنیده ایم درود بی پایان به آنها.

بلی اسلام دیگر دین شمشیر نیست چون وقت شمشیر گذشته حالا اسلام دین بم و خمپاره گردیده است و نمیتوان به این سادگی از آن دین عدالت ساخت.

قضاوت روی هر معیاری که باشد از بستر های راحت و خلیج های آرام تا زیر بم و راکت بودن فرق کلی دارد و صدای اسلام دین برادری و برابری در کشور های فقیر و نادار مثل افغانستان شنیده نمیشود.

تا آن جایی که من میدانم هرگز ملائی، مفتی، دانای اسلامی خلاصه هیچ کسی از دین داران از شروع اسلام تا امروز به نفع توده های زحمت کش و مظلوم نه آیتی آورده نه حدیثی نقل کرده و نه فتوایی داده است. همه در خدمت سلاطین عرب و نمایندگان آنها در سر کوب ملت ها کار های بس ناروایی انجام داده اند.

بنده را عقیده بر این است که با هیچ نوع مفکوره دینی نمیتوان خدمت انسانی انجام داد، من هر نوع دینی که باشد در جهت آزادی خلقها از زیر ستم و به وجود آوردن جامعه بدون ظلم و خرافات همان دین را می پذیرم و هر آنینی که خلاف آزادی انسان و عدالت اجتماعی به هر پیمانانه و قدرتی که باشد، رد نموده و ضد ان به مبارزه ادامه خواهم داد. یار زنده صحبت باقی

**بیادداشت:**

همکار نهایت عزیز آقای آزاد ل، سلام ها و احترامات متصدیان و همکاران تخنیک را تقدیم می داریم، امید است به سلامت باشید.

از لطف و مرحمتی که نسبت به پورتال ابراز داشته اید یک جهان ممنون، در صورتیکه پیشنهادتان از طرف سایر همکاران قلمی ما با فرستادن مقالات در زمینه استقبال گردد، می توانید مطمئن باشید که اداره پورتال در افتتاح یک صفحه خاص ممانعتی نخواهد داشت.

پیروز و کامگار باشید

اداره پورتال AA-AA